

هنرمند همچون پژوهشگر،
تاریخ هنر همچون پیشینه؛

سیر

و برگرفت از تاریخ
هنرمیان رودان

صدیقه نایفی

دانشجوی دکترای پژوهش هنر و مدرس دانشگاه

مطالعات اخیر هنری است-، پرداخته و نکاتی چون لزوم حفظ رابطه هنرمند موفق با مطالعات هنری، ارزش و اهمیت مطالعه ادبیات تحقیق برای پژوهشگر و آشنایی او با تاریخ هنر، داشتن روحیه پژوهشگری و جست‌وجوگرانه و ارجاعات مستقیم و غیرمستقیم او به منابع تاریخ هنر میان‌رودان در تصویرگری ممیز از اسطوره گیل گمش یادآور شده است.

کلیدواژه‌ها: هنرمند همچون پژوهشگر، ارجاع در پژوهش و تولید هنری، مرتضی ممیز، تصویرگری اسطوره گیل گمش.

مقدمه

عباراتی مانند «هنرمند همچون پژوهشگر» و یا «هنر همچون پژوهش» از جمله کلیدواژه‌های تحقیقات حوزه مطالعات هنری و روش‌شناسی است. در این تحقیقات کوشش می‌شود تا شباهت‌های موجود میان فرایندهای تحقیق و تولید اثر هنری معرفی شود و مصداق‌های این تشابه در آثار هنرمندان موفق مورد کنکاش و بازنمایی قرار گیرد. در این رابطه می‌توان به آثاری از وسلینگ (۲۰۱۱) درباره رابطه هنر و علم و «هنرمند به مثابه پژوهشگر» و نیز اثری از کوهن (۱۹۹۱) در مورد بررسی این مقوله در ارتباط با هنرمندی موفق چون پیکاسو اشاره کرد. تحقیق حاضر با رویکردی مشابه می‌کوشد تا با ذکر شباهت‌های روند تحقیق و تولید هنری، به‌ویژه در مرحله مطالعه پیشینه و آشنایی با تاریخ هنر مرتبط با موضوع کار هنرمند، به یکی از دلایل موفقیت مرتضی ممیز بپردازد و با نشان دادن ظرفیت‌های او به‌عنوان الگویی محبوب در میان هنرجویان، اهمیت آشنایی با تاریخ هنر را در این فرایند آشکار سازد تا آنان، با فهم چگونگی ادراک ممیز از موضوعات، به الگوبرداری صحیح از او نائل آیند. لازم به ذکر است که، تصویرگری‌های ممیز از اسطوره گیل گمش از جنبه‌های متفاوتی چون زمینه تخیلات تصویری در ادبیات اسطوره‌ای، ارتباط فرم و محتوا، ارتباط میان‌متنی با هنر ایران و ... در برخی تحقیقات پیشین مانند حسینی (۱۳۸۹)، قاهری (۱۳۹۰)، پورغریب (۱۳۹۲) و فخاری زاده و نامور مطلق (۱۳۹۳) مورد بررسی قرار گرفته است. اما آنچه تحقیق حاضر را ممتاز می‌سازد نظر به موفقیت ممیز در مقام یک هنرمند-پژوهشگر و مقایسه ارجاعات آگاهانه، مستقیم و غیرمستقیم او به تاریخ هنر (مرتبط با موضوع پیشنهادی) با مرحله مطالعه پیشینه نزد پژوهشگر و ارجاع و استفاده از نتایج تحقیقات مرتبط



تصویر شماره ۲: قهرمان غالب بر شیر، هنر میان‌رودان، موزه لوور (روبهرو و سه رخ)



تصویر شماره ۳: آشوربانیپال اثر فرد پرهاد، سلفترانسیکو

چکیده

شادروان مرتضی ممیز هنرمندی تأثیرگذار و شهیر بود که همواره بر اهمیت و نقش او در حوزه گرافیک و تصویرسازی تأکید می‌شود. با این همه، دلایل برتری او کمتر در تحقیقاتی جدی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ این در حالی است که اگر دلایل موفقیت و برتری هنرمندی مورد واکاوی دقیق و سپس معرفی به نسل‌های بعد قرار نگیرد، هنرجویان در سودای رسیدن به نام و مقام او تنها به تقلید از ظواهر آثارش و نه تعمق در نحوه ادراک او از موضوعات برمی‌آیند. در پژوهش حاضر می‌کوشیم با توجه به «تصویرگری‌های ممیز از اسطوره گیل گمش» به‌عنوان نمونه مطالعاتی، یکی از دلایل و جنبه‌های موفقیت او را تبیین و معرفی نماییم بر این اساس، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها هستیم که: کدام ویژگی ممیز، در مقام یک هنرمند، موجب فهم صحیح او از اسطوره گیل گمش و تصویرگری موفق این حماسه گردیده است؟ چگونه او پس از تعیین این موضوع از سوی «کتاب هفته» به ابداع و ابتکار هنری دست زد تا نتوانست به ارائه‌ای ماندگار از آن دست یابد؟ تحقیق حاضر، در پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیه جست‌وجوگری و پژوهش هنرمند در منابع مرتبط با تاریخ هنر و استفاده بجای او از عناصر مرتبط با هنر میان‌رودان در دوران شکل‌گیری این اسطوره را پیش رو گذارده، با رویکردی تطبیقی-تحلیلی به اثبات این مدعا پرداخته است. در پایان نیز به اهمیت ترکیب «هنرمند همچون پژوهشگر»- که از کلیدواژه‌های



تصویر شماره ۴: گیلگمش
(از نمای دور و نزدیک) اثر
لوئیس باتروسی

«شیوه اندیشیدن من درباره تابلوهای نقاشی، مانند دیگر مورخان هم نسل من، تا حد زیادی تحت تأثیر آثار گامبریچ شکل گرفته است. من نیز مانند میلیون‌ها انسان دیگر، کتاب «تاریخ هنر گامبریچ» را خوانده‌ام و آن را چونان نقشه کشوری بزرگ و پنهانور می‌دانم که به کمک آن می‌توان با اعتماد به نفس و تکیه بر خویش، ناشناخته‌ها را کشف کرد و در راه‌های ناپیموده گام نهاد. (گامبریچ، ۱۳۸۷: پنج). در واقع، آشنایی با هنر پیشینیان و مطالعه در این حوزه، در عین آشنا کردن هنرمند با ذوق زیباشناسی و شیوه‌های مختلف بیان هنری مردمان گذشته، به منبع الهامی جدید تبدیل می‌گردد که پرهیز از تکرارهای ملالت‌بار و ناآگاهانه را تضمین کند و با ایجاد اعتماد به نفس و تسلط در هنرمند بر موضوع خویش چونان نقش گستره‌ای وسیع او را به تولیدات جدید هنری رهنمون می‌سازد. بدین ترتیب، مطالعه پیشینه تحقیق برای پژوهشگر و آشنایی با تاریخ هنر مرتبط برای هنرمند، هر دو با کارکردی مشابه موجب تسلط و آگاهی محقق و هنرمند بر موضوع می‌گردد و از دوباره‌کاری جلوگیری می‌کند. از سویی با فراهم کردن تسلط کافی بر موضوع و استفاده صحیح از نتایج دیگران در این حوزه موجب استحکام کار و از دیگر سو با جلوگیری از تکرار صرف و ناآگاهانه باعث ابتکار در آن می‌شود. توجه به پیشینه تحقیق از وظایف محقق، ملزومات و مرحله‌ای اجباری در روند تحقیق محسوب می‌شود، با این حال، توجه به مطالعات و آشنایی با تاریخ هنر در حوزه مرتبط با فعالیت هنرمند، مسئله‌ای است که هر هنرمندی خود را ملزم به آن نمی‌داند. آشنایی و انجام این مرحله برای یک هنرمند مستلزم وجود روحیه جست‌وجوگری، پژوهشگری و ارج نهادن به مطالعات و صرف زمان برای آن در هنرمند است. در ادامه اهمیت این مبحث نزد ممیز مورد بررسی و معرفی قرار خواهد گرفت.

ممیز: اهمیت به مطالعات و روحیه

جست‌وجوگری

ممیز همواره بر اهمیت چشم کنجکاو، توجه به روحیه جست‌وجوگری و حضور خود در کتابخانه‌ها و تأثیر مطالعه در بینش و ادراکش به‌ویژه در حوزه تولید اثر هنری تأکید نموده است. (او حتی گاه با دقتی پژوهشگرانه به بررسی ریشه‌شناسی واژه‌های مرتبط با حوزه خود پرداخته است) مصاحبه‌ها و زندگی‌نامه‌هایی که از خلال صحبت با او به نگارش درآمده‌اند، حاوی مصادیق فراوان هستند. برای مثال، او در یکی از این موارد می‌گوید: «قبل از دوره کار در کتاب هفته، زمانی

پیشین به جهت بهبود عملکرد است. در این راستا، پس از ذکر شباهت‌های فرایند پژوهش و تولید هنری، به اهمیت روحیه پژوهشگری و جست‌وجو در پیشینه مرتبط اشاره می‌گردد و با ارائه شواهدی در باب روحیه جست‌وجوگری و پژوهشگری ممیز به ارجاعات مستقیم و غیرمستقیم او به تاریخ هنر میان‌رودان و نه پیش‌متن‌های فرهنگی ایرانی پرداخته خواهد شد.

اهمیت مطالعه پیشینه برای پژوهشگر و آشنایی با تاریخ هنر برای هنرمند

مطالعه ادبیات و سوابق مسئله تحقیق و لزوم انجام کامل این مرحله در فرایند تحقیق، یکی از مباحث مهم در روند تحقیقات به‌شمار می‌آید که دارای شباهت‌های قابل توجه با مطالعه تاریخ هنر (به‌ویژه در حوزه مرتبط با موضوع کار هنرمند) و لزوم آشنایی هنرمند با آن در فرایند تولید اثر هنری است. کار پژوهش پس از انجام دادن مرحله مطالعه ادبیات آغاز و در بستری از آگاهی برای کشف مجهول انجام می‌شود. در این مرحله، محقق یافته‌های دیگران و به عبارتی پیشینه مسئله یا نتایج تحقیقات دیگران و نظریه‌های مرتبط با مسئله تحقیقات را گردآوری می‌کند و در صورتی که پاسخ مسئله خود را پیدا نکند، پژوهش را آغاز می‌کند. علاوه بر این، از تجارب پژوهشی دیگران در تدوین چارچوب نظری کار خود و طراحی روش‌شناسی آن استفاده می‌کند و تکیه‌گاهی برای استدلال در مرحله ارزیابی فرضیه‌ها فراهم می‌سازد. به‌طور کلی مطالعه ادبیات نظری و سوابق پژوهشی مرتبط با مسئله برای محقق دارای فوایدی است که در میان آن‌ها می‌توان به مواردی چون اشراف بیشتر نسبت به موضوع، پرهیز از تکرار و آشنایی با مسائل، مفاهیم و اصطلاحات مشابه و کاهش هزینه‌ها و افزایش بازده اشاره نمود (حافظ نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۶). در ادامه، اشراف بیشتر پژوهشگر بر موضوع باعث می‌شود تا او با آگاهی و دیدی وسیع‌تر مسئله را ببیند و در نتیجه بر مسئله تسلط بیشتری پیدا کند و با اطمینان از بدیع بودن آن، کار پژوهش را دنبال کند. بدین ترتیب او وقت، توان و بودجه را صرف روشن‌تر کردن موضوعاتی که پیش از این روشن شده‌اند، نخواهد نمود بلکه به کاری جدید و ابتکاری دست خواهد زد (همان).

در سوی دیگر، تاریخ هنر سیر تطور و تکامل بشر را منعکس می‌کند و زمینه و بافت پدید آمدن هنرها را روشن می‌سازد (وایلدر، ۱۳۹۳: ۲۳). نیل مک گرگور، رئیس گالری ملی لندن در سخنانی راجع به تاریخ هنر گامبریچ و تأثیر مطالعه و آشنایی با آن می‌گوید:

که در دبیرستان درس می‌خواندم ضمن گذر از خیابان سی متری، وارد انجمن فرهنگی سفارت لهستان شدم. در قرائت‌خانه آنجا چشمم به مجله‌ای به نام پولند افتاد که در آن فعالیت‌های فرهنگی و هنری لهستان را معرفی می‌کرد. بخشی از مجله همیشه به گرافیک و پوستره‌های لهستان اختصاص داشت. در آنجا بود که برای اولین بار هنر و طراحی گرافیک لهستان را شناختم و این مجله موثق‌ترین منبعی شد که توجه مرا به طرف این هنر سوق داد. بعدها وقتی به دانشکده هنرهای زیبا رفتم، در درس کمپوزسیون تزینی کوشش‌های طراحان لهستانی برایم الگوی بسیار خوبی بود. اما در کتاب‌خانه دانشکده هم با هنر نقاشان بزرگی آشنا شدم که شیوه آن‌ها بر من تأثیر فراوان داشت...» (ممیز، ۱۳۸۴: ۲۵).

ممیز که خود را در این دوران مشتری پر و پا قرص و بهترین کتاب‌فروشی‌ها می‌خواند، می‌گوید: «مجموعاً طراحی‌هایی که در کتاب هفته کار کردم، متأثر از بسیار نگاه کردن آلبوم‌های نقاشان اروپایی بود که در کتابخانه در دسترس بود، و من از شیوه آن‌ها در مصورسازی و روی جلدسازی تأثیر فراوانی گرفتم». در ادامه و در خلال همین گفت‌وگو مصاحبه‌گر در اشاره به روحیه جست‌وجوگری و کنجکاوی حرفه‌ای ممیز می‌گوید: «هدف اصلی زندگی‌تان معطوف به جست‌وجو می‌شود و همین جست‌وجو شما را وارد مراحل ویژه‌ای کرده است» (قتیری، ۱۳۸۵: ۴۲-۳۳).

اما ممیز در بیان اهمیت مطالعه از ذکر حضورش در کتاب‌خانه‌ها و تأثیراتی که مطالعه کتاب‌ها و مجلات بر آثارش داشته‌اند پای فراتر می‌گذارد و می‌گوید: «وارد دانشکده که شدم دیدم کار تنها بی‌فایده است و باید به‌طور جدی مطالعه هم کرد. آن زمان هم کتاب و مجله خیلی کم بود. خیلی کمتر از حالا و بعد هم اگر بود گران بود. به فکر رسید هر چه پیدا می‌کنم آرشیو کنم. آرشیو کردن عکس‌ها و صفحات بریده مجلات و غیره باعث شد که چشمی کنجکاو و قضاوت‌کننده پیدا کنم» (ممیز، ۱۳۸۴: ۴۲).

اشاراتی از این دست در میان صحبت‌های ممیز فراوان است و در صورت علاقه‌مندی به این مباحث به تفصیل بیشتر، می‌توان به سایر مصاحبه‌ها و آثار مرتبط رجوع نمود.

حماسه گیل‌گمش، بستر شکل‌گیری و تاریخ هنر مرتبط با آن

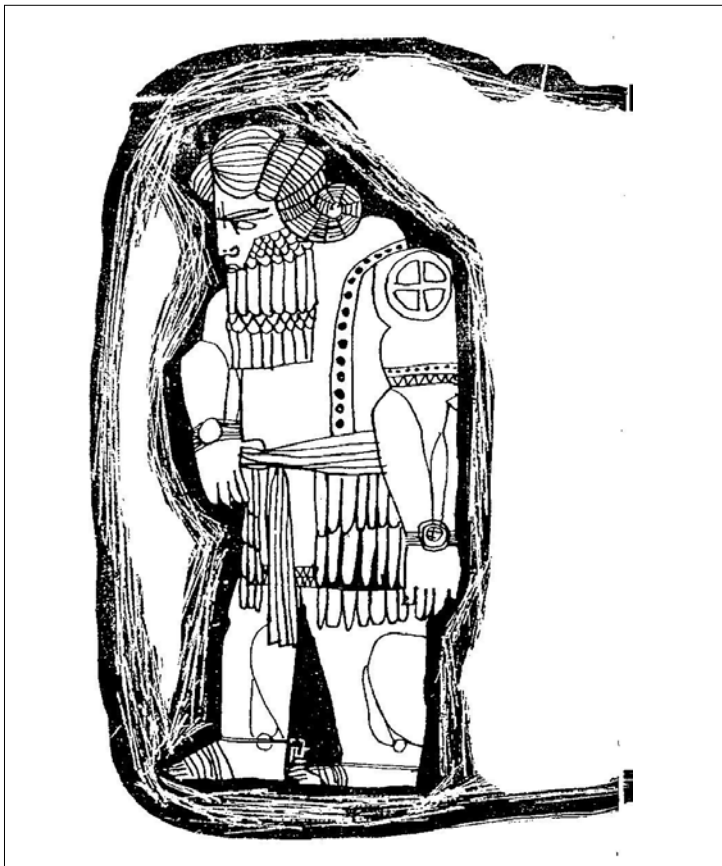
داستان سفر گیل‌گمش یکی از حماسه‌های کامل و ادبی تاریخ باستان است که از اساطیر قدیم بابل و

منطقه میان‌رودان بر جای مانده است. کامل‌ترین متنی که از این پهلوان‌نامه به دست ما رسیده، متنی است که بر الواحی از خشت نگاشته و در کوره پخته شده است. این مجموعه شامل دوازده لوح است که ضمن کاوش در بقایای کتابخانه آشور بانی‌پال پادشاه مقتدر و مخوف اما حامی دانش و ادبیات آشور به دست آمده است. این حماسه بلند ماجراهای زندگی گیل‌گمش - یکی از پادشاهان اوروک را، که به سبب کارهای نمایان و مخاطره‌آمیزش شهرت بسیار یافت - و سفر او همراه با دوست و هم‌پیمانانش انکیدو در جست‌وجوی گیاه زندگی جاوید را شرح می‌دهد (ناس، ۱۳۹۲: ۷۳؛ شاملو، ۱۳۹۰: ۷-۸). براساس توضیحات یادشده، تمدن میان‌رودان بستر شکل‌گیری اسطوره گیل‌گمش است و لذا منظور از تاریخ هنر مرتبط با این مضمون، تاریخ هنر میان‌رودان است. با توجه به وفور منابع درباره هنر میان‌رودان و ویژگی‌های آن از تفصیل بی‌جا در این‌باره خودداری می‌کنیم و به ذکر عنوان زیرفصل‌های قرار گرفته در ذیل تاریخ هنر این منطقه یعنی هنر سومر، بابل و آشور اکتفا می‌نماییم.

تأثیرات مطالعه و ارجاعات ممیز به تاریخ هنر میان‌رودان در تصویرسازی حماسه گیل‌گمش

چنانچه پیش از این اشاره شد، شادروان ممیز اتکالی صرف بر احساس و تخیل را برای تولید اثر هنری کافی نمی‌دانست، حتی به‌طور آگاهانه سعی در بهبود نتایج و عملکرد خود از طریق جست‌وجو و مطالعه در منابع داشت. او عنوان می‌کند که در طی کار در کتاب هفته سعی داشته که تکنیک‌ها را در ارتباط با شیوه نویسنده و فضای داستان انتخاب کند. براساس فرضیه تحقیق حاضر، ممیز این هماهنگ‌سازی میان فضای داستان و تصویرسازی‌های خود را همچون پژوهشگری که به مطالعه پیشینه تحقیق خود می‌پردازد، از طریق مطالعه تاریخ هنر مرتبط با فضای اسطوره گیل‌گمش یا تاریخ هنر میان‌رودان ایجاد کرده است. در ادامه و در راستای اثبات فرضیه و ارائه شواهد، به تأثیرات جست‌وجو در تاریخ هنر مرتبط و برگرفت‌های ممیز از آثار هنری میان‌رودان در تصویرسازی‌های او از حماسه گیل‌گمش اشاره خواهد شد. برگرفت‌های ممیز از هنر میان‌رودان گاه کاملاً مستقیم و الگوبرداری شده از برخی آثار هنری این منطقه است و گاه ترکیب و تلفیقی از عناصر موجود در آن که با ذوق و تخیل هنرمند نیز درآمیخته است. این تأثیرات تحت عناوینی کلی چون ارجاع مستقیم به پیشینه (الگوبرداری مستقیم از مجسمه «قهرمان غالب بر شیر» هنر میان‌رودان) و ارجاعات

تصویر شماره ۵- نمایی از سبک آرایش مو و ریش گیلگمش در تصویرسازی ممیز



تصویر ۶. سبک آرایش مو و ریش در هنر میانرودان (قهرمان غالب بر شیر)



تصویر ۷. سبک آرایش مو و ریش در هنر میانرودان (پادشاه آشوری)، محفوظ در موزه متروپولیتن



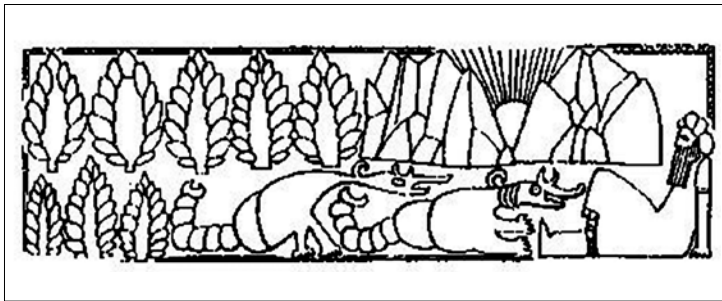
تصویر ۸. (چپ) لباس اشخاص در هنر میانرودان (سومر) (توجه شود به لباس اشخاص در تصویرسازیهای ممیز از اسطوره گیلگمش)



تصویر ۱۰. موجودات عجیب در دروازه ایشثار (مار-ازدها)،



تصویر ۹. موجودات عجیب در تصویرسازی ممیز



۱۱. گیلگمش و انکیدو
تفاوت آرایش مو و ریش گیلگمش و انکیدو و استفاده از دستبند سلطنتی برای گیلگمش در تصویرسازی ممیز

تصویر ۱۳. انکیدو



تصویر ۱۲. گیلگمش



غیرمستقیم به پیشینه؛ (شبهات میان آرایش مو، ریش، جامه، تزیینات و سایر موجودات) قابل بررسی است.

۱. ارجاع مستقیم به پیشینه (الگوداری

مستقیم از مجسمه «قهرمان غالب بر شیر» هنر میان‌رودان

چنانچه در تصاویر ۱ تا ۳ مشاهده می‌شود، در سمت راست تصویری (از نمای روبه‌رو و سه‌رخ) از مجسمه‌ای با عنوان «قهرمان غالب بر شیر» که امروزه با شماره ۱۹۸۶۲ در موزه لوور نگهداری می‌شود، قرار دارد. این مجسمه بخشی از بنای تاریخی پیچیده‌ای است که اطلاعات اکنون ما از آن به طراحی‌های اوژن فلاندن در سال ۱۸۴۴ در طول حفاری‌های دروازه‌های کاخ سارگون دوم (پادشاه آشور) باز می‌گردد (بیر، ۱۹۹۰: ۲۱-۱۹).

در دست راست پیکره «قهرمان غالب بر شیر»، سلاحی تشریفاتی با تیغه‌ای منحنی قابل مشاهده است که جنگ‌افزاری شاهانه محسوب می‌شود. او پوششی کوتاه با شالی حاشیه‌دار و بلند که یکی از پاهایش را نیز پوشانده است به تن دارد. تماس چشم‌هایش بر بیننده تأثیری جادویی دارد. موها و ریشش به سبک اشخاص عالی‌مقام و پادشاه آرایش شده است. قهرمان غالب، دستبندی با گلی در مرکز آن به دست دارد؛ نمونه‌هایی مشابه با آن از اکتشافات مقبره زن شاه در نمرود به دست آمده است که از طلا ساخته شده و با سنگ‌های گران‌بهایی شبیه به گل‌برگ جواهر نشان شده‌اند. این پیکره، غالباً همان شخصیت افسانه‌ای و احتمالاً پادشاه تاریخی سرزمین اروک و تجسم‌بخش قدرت مطلق، گیل‌گمش شناخته می‌شود؛ او که بی‌هیچ تلاشی بر شیری وحشی غالب آمده است (همان). در تصویر سمت چپ (تصویر ۳) تصویرسازی ممیز از گیل‌گمش اسطوره میان‌رودانی دیده می‌شود که به‌طور روشن برگرفتی از (تصویر ۱) موزه لوور است. در واقع ممیز همچون پژوهشگری که با مطالعه پیشینه از نتایج تحقیقات پیش از خود بهره می‌گیرد، با استفاده از نتایج هنرمند میان‌رودانی که بستر شکل‌گیری اسطوره گیل‌گمش را به خوبی درک و در آن زندگی کرده است، به درک صحیحی از فضای اسطوره نائل آمده و پس از آن اثری هنری در هماهنگی با فضای آن را به تصویر کشیده است.

نکته حائز اهمیت آن‌جاست که بهره‌گیری ممیز از اثر هنری مرتبط هنرمند پیشین و الگوداری مستقیم از آن به هیچ‌وجه نشانی از ضعف هنرمند نیست. در واقع او همچون پژوهشگری جست‌وجوگر گاه به ارجاع

مستقیم از آثار مرتبط و پیش از خود پرداخته و گاه به شیوه‌ای غیرمستقیم در اثر جدید خود از آن‌ها بهره گرفته است. در این باره، می‌توان به آثار هنرمندان موفق دیگری که ارجاعاتی مستقیم به پیشینه خود و یا برگرفت‌هایی کامل از این اثر داشته‌اند نیز اشاره کرد. برای مثال، تندیس گیل‌گمش اثر لوئیس باتروس در سال ۲۰۰۰ که کاملاً متأثر از پیکره «قهرمان غالب بر شیر» موزه لوور است و اکنون در دانشگاه سیدنی قابل مشاهده است (تصاویر ۵ و ۶) و مجسمه برنزی آشوربانیپال اثر فرد پرهاد ساخته سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۷ در سان فرانسیسکو از آن جمله هستند (تصویر ۴).

۲. ارجاعات غیرمستقیم به پیشینه؛ (شبهات

میان آرایش مو، ریش، جامه، تزیینات و سایر موجودات)

ممیز علاوه بر ارجاع آثار و نیز برگرفت مستقیم از آثار هنر میان‌رودان در تصویرسازی خود از اسطوره گیل‌گمش، موارد دیگری را به‌صورت غیرمستقیم و ترکیب آن‌ها با ذوق و مهارت شخصی خود تصویرسازی کرده است. در واقع ممیز با آگاهی از پیشینه و تاریخ هنر مرتبط با موضوع کار خود، از برخی نتایج و اصطلاحات هنرمند پیشین در تولید اثر هنری خود بهره گرفته است. برای مثال نحوه آرایش مو و ریش پیکره‌های ممیز و پوشش و تزیینات جامه آن‌ها چون نقش حاشیه‌های پایین لباس‌ها، همچنین سایر تزیینات به کار رفته در آن‌ها مانند دستبند سلطنتی یادشده در مجسمه «قهرمان غالب بر شیر» که در سایر تندیس‌ها و نقش برجسته‌های میان‌رودان نیز قابل مشاهده است، حتی پس‌زمینه لوح گونه و نحوه نمایش فضای اطراف چون آب و حضور برخی جانوران که مشابه جانوران موجود در آثار هنری این منطقه هستند، همگی برگرفت‌هایی غیرمستقیم از هنر میان‌رودان هستند.

در این میان نکته حائز اهمیت دیگر، دقت ستودنی ممیز در به‌کارگیری ارجاعات و برگرفت‌هاست. برای مثال او در تصویرسازی پیکره گیل‌گمش آرایش ریش و موی مجسمه‌های میان‌رودان را به‌کار می‌برد که چنانچه در مورد مجسمه «قهرمان غالب بر شیر» اشاره شد تنها مخصوص به اشخاص والا مقام و پادشاهان است و در هماهنگی کامل با شخصیت اسطوره‌ای گیل‌گمش، به عنوان موجودی نیمه‌خدا و پادشاه اوروک، می‌باشد. اما در رابطه با انکیدو دوست و همراه او از چنین آرایش مو و ریشی بهره نمی‌گیرد. به‌جز این، او دستبندی مشابه با دستبند سلطنتی «قهرمان غالب

بر شیر» و سایر حکمرانان میان‌رودان و نقوشی شبیه به گل مرکز آن را همواره برای تزیین پیکره گیل‌گمش (و باز هم نه انکیدو) استفاده می‌کند که بر مقام سلطنتی او صحنه می‌گذارد و در هماهنگی کامل با متن است. در واقع او ارجاعات غیر مستقیم را نه به صورت ناآگاهانه، بلکه با دقتی موشکافانه در اثر جدید خود به کار برده است.

نتیجه‌گیری

مطالعه پیشینه در تحقیق و آشنایی با تاریخ هنر مرتبط در تولید اثر هنری موجب ایجاد حس اعتماد به نفس، آگاهی و تسلط بر موضوع در پژوهشگر و هنرمند می‌گردد و او را از تکرارهای ناآگاهانه و بی‌هدف دور می‌سازد. لیکن انجام این مرحله - که جزء لاینفک تحقیقات به شمار می‌رود - در تولید آثار هنری، مستلزم پذیرش اهمیت مطالعه و وجود روحیه جست‌وجوگری و تحقیق از سوی هنرمند است؛ روحیه‌ای که ممیز در سخنانش همواره به آن اذعان داشت و در آثارش نیز آن را بازتاب داشت. در این تحقیق به ارائه شواهدی از این موارد در سخنان ممیز پرداختیم و در ادامه با انتخاب تصویرسازی‌های ممیز از حماسه گیل‌گمش به عنوان نمونه مطالعاتی، به بررسی مرحله مطالعه پیشینه و نظر به تاریخ هنر مرتبط (تاریخ هنر میان‌رودان) در این آثار و تشریح توجه ممیز به این مرحله و ارائه برخی برگرفت‌های او از آثار هنری میان‌رودان همت گماشتیم. در این راستا، برگرفت‌های ممیز از تاریخ هنر میان‌رودان را، همچون ارجاعات پژوهشگر، به دو دسته ارجاعات مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمودیم؛ در بخش ارجاعات مستقیم، به الگوبرداری و برگرفت کامل از مجسمه «قهرمان غالب بر شیر» میان‌رودان اشاره شد و در بخش ارجاعات غیرمستقیم، برگرفت‌های ممیز از آرایش مو، ریش، جامه‌ها و تزیینات آن‌ها، دستبند سلطنتی، جانوران مشابه و ... طرح گردید. ضمن اینکه، دقت موشکافانه ممیز را در بهره‌گیری از این ارجاعات - برای مثال در آرایش موی متفاوت گیل‌گمش و انکیدو و به‌کارگیری دستبند سلطنتی برای گیل‌گمش و نه انکیدو - یادآوری کردیم. بدین ترتیب، با تشریح روحیه جست‌وجوگری ممیز در تاریخ هنر میان‌رودان (همچون مطالعه پیشینه توسط پژوهشگر)، یکی از دلایل ادراک صحیح او از اسطوره گیل‌گمش و تصویرسازی موفق او را بیان نمودیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. این پژوهش در راستای تدریس درس تاریخ هنر جهان به دانشجویان در رشته گرافیک (گروه ج) و ذکر اهمیت الگوبرداری صحیح از هنرمندان موفق و مطالعه تاریخ هنر شکل گرفته است. از علاقه‌مندی، پیگیری و روحیه پرسش‌گری آنان سپاس گزارم.
۲. لازم به ذکر است، این تحقیق پیش از این به تفصیل بیشتر و با عنوان «ممیز همچون پژوهشگر» در اولین سمپوزیوم ملی روز جهانی گرافیک ارائه و در بخش علمی (مقالات) شایسته تقدیر شده است.
۳. رایانامه: Seddighe.nayefi@yahoo.com
۴. این در حالی است که برخی هنرآموزان ایرانی (و گاه سایر فعالان این حوزه)، هنر و پژوهش را دو حوزه کاملاً منفک پنداشته، تولید هنری را صرفاً امری منکی بر تخلیه احساسات و نه حتی بروز تخیلات می‌پندارند.

5. Wesseling

6. Cohen

۷. تمامی نمونه‌های ارائه شده از تصویرسازی‌های ممیز از اسطوره گیل‌گمش برگرفته از کتاب گیل‌گمش با برگردان احمدشاملو (منبع چهارم) است.

منابع

۱. پور غریب شاهی، مریم (۱۳۹۲). بررسی اهمیت ارتباط فرم و محتوا در تصویرسازی معاصر از داستان‌های کهن (با تکیه بر آثار مرتضی ممیز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرد.
۲. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ ۲۱. تهران: سمت.
۳. حسینی، مهرشاد (۱۳۸۹). زمینه‌ی تخیلات تصویری در ادبیات اسطوره‌ای (گیل‌گمش). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۴. شاملو، احمد. (۱۳۹۰). گیل‌گمش (برگردان احمد شاملو با تصویرسازی مرتضی ممیز). چاپ هشتم. تهران: چشمه.
۵. فخراری‌زاده، نسیم و نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۳). خوانش بینانسان‌های تصویرسازی‌های گیل‌گمش با تأکید بر مطالعه تک اسطوره - ترامتن. نشریه کیمیا هنر، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۸۵-۶۷.
۶. قاهری نیری، شعله (۱۳۹۰). مطالعه‌ای بر تصویرسازی‌های ممیز در صفحات داخلی مجله کتاب هفته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء سلام الله علیها.
۷. قنبری، امید (۱۳۸۵). غریزه گرافیکی (آخرین گفتگو با مرتضی ممیز). تهران: آنا.
۸. گامبریچ، ارنست (۱۳۸۷). تاریخ هنر. ترجمه علی رامین. چاپ پنجم. تهران: نی.
۹. ممیز، مرتضی (۱۳۸۴). مرتضی ممیز. مدیر هنری: فرشید مثقالی. ترجمه مازی پرهیزکاری، سمن لطفی، مهدی افشار. تهران: چاپ و نشر نظر.
۱۰. ناس، جان بایر (۱۳۹۲). تاریخ جامع ادیان. مترجم: علی اصغر حکمت. ویراستار: پرویز آتایی. چاپ بیست و یکم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. وایلد، جسی برایانت (۱۳۹۳). تاریخ هنر به زبان آدمیزاد. ترجمه‌ی آهنگ حقانی. تهران: هیرمند.
12. Beyer, Dominique (1990). Le palais de Sargon II, roi d'Assyrie. N67, Paris : Bayard Presee, pp 19-21.
13. Cohen, MM Jr (1991). Picasso and the art of distortion and dislocation: the artist as researcher and experimentalist. J Craniofac Genet Dev Biol. Apr-Jun, 11(2), pp 61-95.
14. Wesseling, Janneke (2011). See It Again, Say It Again: The Artist as Researcher. Valiz.
15. The Hero Overpowering a Lion. In Louvre Museum. Retrieved April 20, 2017 from: <http://www.louvre.fr/en/oeuvre-notices/hero-overpowering-lion>.
16. Ashurbanipal. Retrieved September 6, 2018 from: <http://www.fredparhad.com/Monuments.html>.
17. Gilgamesh Statue. Retrieved September 20, 2018 from: [https://infogalactic.com/info/Gilgamesh_Statue_\(University_of_Sydney\)](https://infogalactic.com/info/Gilgamesh_Statue_(University_of_Sydney)).
18. Neo-Assyrian Relief Panel. Retrieved September 8, 2018 from: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/322611>.
19. Ishtar Gate. Retrieved September 8, 2018 from: https://en.wikipedia.org/wiki/Ishtar_Gate.